

ژورنال

شماره ۷۹۲

۲۵ ژوئیه ۲۰۲۴ - ۴ مرداد ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

در این شماره ژورنال

نامه جوانان بلژیکی به خامنه‌ای: بلاهت یا بن‌بست؟

سیاوش آذری

موهای سپیده رشنوها راه نفس رژیم اسلامی را بسته است

عطیه نیک‌نفس

کارناوال المپیک و سوگند برای حکومت اسلامی

رضا درویش

در دفاع از پناهجویان افغانستانی، علیه فاشیسم حکومت اسلامی

محسن ابراهیمی

احکام قرون وسطایی "بغی" را بر سر حکومتیان خراب کنیم

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری

نامه جوانان بلژیکی به خامنه‌ای:

بلاغت یا بن‌بست؟

سیاوش آذری

بنا بر ادعای دفتر خامنه‌ای تنی چند از "جوانان بلژیکی" در پاسخ به نامه ۲۸ می خامنه‌ای خطاب به جوانان "غربی" و در "حمایت" از فلسطین در مقابل حملات و جنایات اسرائیل، پاسخی به خامنه‌ای نوشته‌اند و در آن با سپاسگزاری از "حکمت" و "اندیشه" او بر شجاعت وی در حمایت از فلسطین درود فرستاده‌اند.

گردشی کوتاه در اینترنت ساختگی بودن نامه مورد ادعا را نمایان می‌سازد. یکم اینکه به‌غیر از

خبرگزاری‌های وابسته به جمهوری اسلامی هیچ جا نشانی از نامه‌های مذکور نیست. دوم اینکه نگاهی گذرا به سبک نوشتار نامه خامنه‌ای و پاسخ "جوانان" نشان‌دهنده همسان بودن نگارنده این نامه‌هاست (صدالبته منبع این معجزه یکسان بودن لفظ الله است که از زبان دفتر رهبر الدنگ به سخن آمده).

مسلماً حماقت، بلاهت، حتی خودبزرگ‌بینی در نگارش این خود - نامه‌نگاری ابلهانه نقش داشته است؛ اما علل بزرگ‌تری پشت این نمایش مسخره قرار دارد. انقلاب زن زندگی آزادی عمق تنفر مردم از زن و مرد تا پیر و جوان از کلیت رژیم اسلامی و کلیت دستگاه دزدی، چپاول و شکنجه

آن، از بیت رهبری و ولایت‌فقیه تا بسیج، سپاه، گشت ارشاد و هر آنچه رنگ و بویی از اسلام دارد، را به نمایش گذاشت. آویزان شدن به ریش جوانان خیالی بلژیکی قرار است مرهمی باشد بر دل آزرده و زخم‌خورده نماینده الله.

بعلاوه، به یمن همین انقلاب دول غربی مجبور به بازبینی در سیاست‌های مداخلات با رژیم اسلامی گشتند که خود این منجر به انزوای سیاسی بیشتر حکومت اسلامی در جهان شد. در کنار این، حمله وحشیانه حماس به شهروندان اسرائیلی با حمایت مادی و تسلیحاتی رژیم اسلامی و متعاقب آن جنایات رژیم اسرائیل و نسل‌کشی شهروندان فلسطینی نشان داد که جمهوری اسلامی و جنبش

اسلام سیاسی نه تنها ربطی به حل مسئله فلسطین ندارد که خود بزرگ‌ترین مانع در برقراری صلح و پایان‌دادن به این تراژدی است. این امر منجر به انزوای بیشتر رژیم الله در انظار عمومی از جمله در خود فلسطین گشت. نامه "جوانان بلژیکی" واکنش احمقانه جمهوری اسلامی به این انزواست.

پاسخ واقعی به رژیم اسلامی و رهبر الدنگش به دست مردم در ایران در حال پردازش است: استمرار و تعمیق انقلاب زن زندگی آزادی و شکستن شیشه عمر حکومت اسلامی و خود الله.

موهای سپیده رشنوها راه نفس

رژیم اسلامی را بسته است

عطیه نیک نفس

”سپیده رشنو“، با انتشار تصویری از موهای بریده شده در اینستاگرام خطاب به مسئولان زندان نوشته است: ”این‌ها مدارک جرم ”ماست“ اگر می‌خواهید بدنِ ”ما“ را ضمیمه پرونده کنید!

سپیده رشنو، زنی است که مانند تمامی زنان مبارز در ایران، حقوق انسانی‌اش را مطالبه می‌کند و مثل همه زنان آگاه و انسان‌های برابری طلب می‌خواهد دستان حکومت اسلامی را از همه عرصه‌های زندگی‌اش کوتاه کند و اختیار زندگی‌اش را داشته باشد.

اما رژیم ضدزن اسلامی که در قوانین اسلامی‌اش جایی برای حقوق زنان نیست، اگر یک روز، فقط یک روز زنان را زندان، شکنجه و اعدام نکند، سرنگون می‌شود. واقعیت این است که موهای زنان آزادی‌خواه راه نفس رژیم را گرفته است و چیزی تا خفه کردنش نمانده است.

رژیم سپیده را به جرم انتخاب روش زندگی و پوشش محکوم به سه سال زندان کرده است. با خیال باطل اینکه، سپیده و دیگر زنان مبارز سکوت کنند. درحالی‌که سپیده با استقامت در تمام این دوران با انتشار عکس‌های بی‌حجابش، دیدار با توماج و نوشته‌هایش و این عکس آخر از موهای بریده شده به‌صراحت بیان کرده که

موهایی که مدرک جرم‌اند، بخشی از بدن زنان هستند و اجازه نخواهند داد حکومت به بدن زنان دست‌درازی کند. در این مقطع زمانی باید هرچه بیشتر اخبار زنان برابری طلب که در شکنجه‌گاه‌های رژیم هستند را رسانه‌ای کرد و به این مبارزات جسورانه پیوست، با بی‌حجابی عملی، با بیان حمایت از این مبارزان راه آزادی و با متشکل شدن علیه رژیم زن‌ستیز اسلامی.

بی شک فردا برای ماست، باید انقلاب "زن، زندگی، آزادی" را شجاعانه جلو برد تا دنیایی بدون مذهب در قدرت و بدون تبعیض جنسیتی ساخت.

کارناوال المپیک و سوگند برای حکومت اسلامی

رضا درویش

معروف است که می گویند قهرمانان قلبی بزرگ دارند. بدا به حال رژیم‌های سیاسی که در قلب بزرگ قهرمانان جایی ندارند. جمهوری منفور اسلامی از این گونه رژیم‌هاست. رژیمی که با تحمیل عقاید عقب مانده‌اش در قالب پوشش تحمیلی حتی در مکان‌های ورزشی و ممانعت از رقابت با کشوری که دشمن تلقی می‌شود و با ده‌ها محدودیت در داخل و خارج از کشور، بیشترین انگیزه را برای مهاجرت ورزشکاران ایرانی ایجاد کرده است. تا جایی که ایران با ۱۴ ورزشکار بیشترین سهم را از تیم پناهندگان کمیته المپیک داشته و از این

بابت در صدر جدول قرار دارد. به این تعداد باید ورزشکاران ایرانی را که به‌عنوان شهروند زیر پرچم کشور دیگری رقابت می‌کنند نیز افزود.

رژیم اما از توهم صدور ایدئولوژی اسلامی دست برنداشته و همچنان با انکار ناقوس مرگی که انقلاب زن زندگی آزادی برایش به صدا درآورده کاروانی به المپیک پاریس روانه کرده است و به پاس خدمات "ارزشمند" رئیسی آیت‌الله اعدام، نام کاروان را "خادم‌الرضا" گذاشته‌اند و دو نفر سوگند وفاداری به حکومت یاد کرده‌اند که با چرخاندن پرچم لرزان رژیم به جهانیان بقبولانند که رژیم از مهلکه انقلاب زن زندگی آزادی جان سالم بدر برده است.

حکومت بچه کش شعار کاروان را به یاد کودکان کشته شده فلسطینی "صلح برای کودکان" خوانده است. رئیس این کارناوال ورزشی محمود خسروی وفا، بادیگارد خامنه‌ای در دهه شصت است که روز ترور خامنه‌ای او را از مهلکه خارج کرد و حالا کاروان خادمان حکومت را در خارج از مرزها هدایت می‌کند. نقل کرده‌اند که در روز ترور خامنه‌ای این مأمور امنیتی رژیم با رمز پنجاه - پنجاه به معنای وضعیت قرمز به نجات خامنه‌ای شتافت.

پیام انقلاب زن زندگی آزادی به همه خادمان حکومت این است: بدانید که همان رمز پنجاه - پنجاه معادل وضعیت قرمز برای شما و کل حکومت برقرار است. البته نه به شیوه ترور که رسم

دیرینه شماست. جمهوری اسلامی با انقلاب مردم
ساقط خواهد شد. تا فرارسیدن آن روز این رژیم را
که جنایاتش در جریان انقلاب زن زندگی آزادی
برای جهانیان آشکار شده باید در همه عرصه‌های
بین‌المللی و از جمله میدان‌های ورزشی بایکوت
و اخراج کرد.

در دفاع از پناهجویان افغانستانی،

علیه فاشیسم حکومت اسلامی

محسن ابراهیمی

به تاریخ ۳۰ تیر ۱۴۰۳ مطلبی از این نویسنده تحت عنوان "در مقابل فاشیسم علیه پناهجویان افغانستانی می‌ایستیم" در نشریه شماره ۷۸۷ ژورنال منتشر شد. خواننده‌ای از ایران طی نامه‌ای، انتقاداتی در باره این مطلب مطرح کرده است که پایین‌تر پاسخ من را خواهید دید.

متن نامه را عیناً اینجا می‌خوانید:

"درود بر شما آقای ابراهیمی رفیق گرامی. درمورد

افغانی‌ها نوشتن به نظرم اطلاعات شما درمورد مهاجرین افغان درایران کم است. چرا و چطور به حمایت کدام گروه تندرو وارد ایران شدن. با چه اهداف احتمالی بماند. بنده قصد حمایت از حکومت یا جنبش ضد مهاجر ندارم. اما باید در نظر داشته باشیم این افراد مهاجرین افغان به دلیل فقر فرهنگی دست به کارهایی می‌زنند که جز جنایت نامی دیگر نمی‌توان گذاشت. حدود یک ماه قبل در یکی از پارک‌های گیلان پدری با دو فرزند دوقلو در حال تفریح بودن. پدر بچه اول رو از سرسره میاد میگیره منتظر بچه دوم بود. ناگهان پدر متوجه میشه بچه‌اش پیدا نیست. بالاخره تلاش‌ها کارساز نشد تا به پلیس مراجعه کردند. بعد ۲۰ روز در مراسم عاشورای تهران بچه‌ها توسط مأموران شناسایی و همراه با مادر و دختر افغانی گرفتند. از مادر و

دختر پرسیدن میدونید آدم ربایی کردین؟ می گفت
دخترم از بچه خوشش اومده می خواست برای
خودش نگهداره! این جماعت در خوش بینانه ترین
حالت نادان هستن! تعداد کمی نیستن. در استانی
دیگر پسر افغانی روز روشن دختر بچه ۴ ساله رو در
گل فروشی دست و پاشو میبندد تجاوز میکنه بهش
چهار ساله رو... در جامعه ما استرس کم داشتیم
که اینم اضافه بشه. حالا به دور از مسائل سیاسی
چه سوءاستفاده هایی که نمی کنند. شرایط رو بهتر
بسنجیم.“

پاسخ مختصر من به این خواننده ژورنال:

قبل از هر چیز فرض من بر این است که شما جزو
این دو دسته ای که در پایین نام می برم نیستید.

در رأس تبلیغات فاشیستی علیه پناهجویان افغانستانی خود جمهوری اسلامی قرار دارد که هر وقت از نظر سیاسی لازم باشد، زنجیر ماشین تبلیغاتی‌اش را پاره می‌کند و علیه پناهجویان افغانستانی تبلیغات علناً فاشیستی راه می‌اندازد؛ فضا را علیه آنها مسموم می‌کند و به هر تحقیر و جنایتی علیه آنها دست می‌زند. دسته دوم، طیفی از ناسیونالیست‌ها از جمله ناسیونال - فاشیست‌های سلطنت‌طلب هستند که در چنین مواردی در بهترین حالت با سکوت خود عملاً رضایت قلبی خود را نشان می‌دهند.

معمولاً وقتی جنایتی در ایران رخ می‌دهد که اتفاقاً پای یک افغانستانی در میان است، مساعدترین فضا برای تبلیغات و اقدامات فاشیستی علیه این

پناهجویان فراهم می‌شود. هدف چنین تبلیغاتی اساساً این است که از پناهجویان افغانستانی تصویر یک‌مشت "بی‌فرهنگ جنایت‌کار" بسازند که به "ایران ما" ریخته، "فرهنگ اصیل ایرانی" را آلوده می‌کنند؛ "کار ایرانی‌ها" را می‌دزدند؛ و مرتکب جنایت علیه ایرانی‌ها می‌شوند و زندگی ایرانی‌ها را ناامن می‌کنند!

فقط به نمونه‌هایی از تبلیغات و اقدامات جمهوری اسلامی در سال‌های اخیر دقت کنید:

ممنوعیت اجازه کار و اسکان در ۱۷ استان و ۳۷ شهر برای پناهجویان افغانستانی؛ محرومیت قریب نیم‌میلیون کودک پناهجویان و مهاجرین افغانستانی از تحصیل، دستورالعمل به کارفرمایان

برای اجتناب از استخدام کارگران افغانستانی یعنی باز کردن دست کارفرمایان برای بهره‌کشی بیشتر از پناهجویان بی‌پناه، ممنوعیت ورود افغانستانی‌ها به بعضی پارک‌ها از جمله پارک صفا در اصفهان، ممنوعیت ارائه خدمات به "افغان‌ها" در تعدادی از استان‌ها مثل فارس و خوزستان توسط سوپرمارکت‌ها، نانوائی‌ها، اتوبوس‌های شهری و بین شهری، فروشندگان مواد غذایی و ممنوعیت حتی ارائه خدمات بهداشتی! به اینها اضافه کنید تیتراژ درشت روزنامه جمهوری اسلامی با عنوان "جنوب تهران در اشغال افغانی‌هاست. این یک موضوع کاملاً امنیتی است" و همچنین عریده‌های نماینده شیراز در مجلس اسلامی که "اتباع خارجی در کشور بی‌حساب و کتاب اکثر شغل‌ها را از ایرانی‌ها می‌گیرند، از یارانه استفاده می‌کنند، پول کشور را

خارج می‌کنند!“ در چنین فضایی است که در مواردی
اوباش اسلامی حتی به خانه و کاشانه افغانستانی‌ها
حمله کرده و آتش می‌زنند، طوری که پناهجویان
بی‌پناه برای حفظ جان‌شان به خارج از شهر ”پناه“
می‌برند!

آیا همه اینها ما را یاد آلمان دوران سلطه نازی‌ها
نمی‌اندازد؟ آیا این اقدامات از نوع اقدامات نازی‌ها
علیه شهروندان یهودی نیست؟ آیا اینها به روشنی
نشان نمی‌دهند که در ایران یک‌مشت فاشیست،
هم‌طراز نازی‌ها در آلمان حاکم هستند؟

دوست گرامی،

آیا واقعاً شما نمی‌دانید که بیکاری محصول اقتصاد

ورشکسته‌ای است که حکومت اسلامی بر جامعه
تحمیل کرده است؟ نمی‌دانید که کرورکرور پول
کشور را - از جمله ثروتی که همین پناهجویان
افغانستانی در سخت‌ترین کارها با دستمزدی بارها
زیر خط فقر تولید می‌کنند - آقازاده‌های جمهوری
اسلامی از ایران خارج می‌کنند؟ نمی‌دانید که
چپاولگران اسلامی حاکم با محروم کردن اکثر
پناهجویان افغانستانی از شناسنامه و حق اقامت و
نامن کردن زندگی‌شان آنان را مجبور کرده‌اند برای
رهایی از گرسنگی به بردگان بی حقوق مفت‌خوران
سرمایه‌دار ایرانی تبدیل شوند و از محصول کارشان
آقازاده‌های "ژن برتر ایرانی" پروارتر می‌شوند؟
نمی‌دانید که همین جمهوری اسلامی در هر مقطعی
از جانب مردم به‌پاخاسته احساس خطر می‌کند،
انگشتان کثیفش را به سمت همین پناهجویان نشانه

می‌رود و آنها را مسبب فقر و فلاکت و بیکاری در کشور معرفی می‌کند؟

دوست گرامی، فرض خوش‌بینانه من بر این است که شما نه جزو دودسته اول، بلکه جزو آن دسته‌ای هستید که متأسفانه تحت تأثیر بمباران تبلیغات فاشیستی نظام اسلامی تصور می‌کنند مسبب اوضاعی که نظام اسلامی به وجود آورده است، پناهجویان افغانستانی هستند و این صاف‌وساده شیپور را از سر گشاد زدن است.

گفته‌اید که "افراد مهاجرین افغان به دلیل فقر فرهنگی دست به کارهایی می‌زنند که جز جنایت نامی دیگر نمی‌توان گذاشت." و مثال‌هایی از دو جنایت توسط دو افغانستانی زده‌اید.

در مقاله مورد انتقاد شما نوشته‌ام و اینجا هم تکرار می‌کنم که "نیازی نیست که متخصص جامعه‌شناسی باشیم و پی ببریم که قتل و جنایت ربطی به قومیت و ملیت و غیره ندارد، بلکه یک معضل اجتماعی است و در کشوری مثل ایران ریشه در شرایط اقتصادی و اجتماعی‌ای دارد که حکومت اسلامی بر مردم تحمیل کرده است." می‌توان به پژوهش‌های علمی جامعه‌شناسانه مراجعه کرد و پاسخ‌های دقیقی در این زمینه پیدا کرد که یک انسان - مستقل از اینکه مجرم در کجا متولد شده است - چرا دست به جنایت می‌زند. اما این روشن است که تداعی کردن جنایت با قومیت و ملیت و محل تولد افراد توسط حکومت اسلامی و ناسیونالیست‌های فاشیست یک شیادی آشکار با اهداف سیاسی است. این روشن است که جنایت

در ایران ریشه و "ملیت افغانی" ندارد و جانیان هم اساساً افغانستانی نیستند. زندان‌های ایران پر از افرادی است که "ایرانی اصیل" هستند؛ اما مرتکب جنایات دهشتناکی شده‌اند.

محمد بسیجه معروف به بیجه که به تجاوز و قتل بیش از ۳۷ کودک و ۳ بزرگسال اعتراف کرد افغانستانی نبود، ایرانی بود. سعید حنایی قاتل زنجیره‌ای که در مشهد زنان تن‌فروش را با انگیزه‌های دینی به قتل می‌رساند افغانستانی نبود، ایرانی بود. غلامرضا خوشرو معروف به خفاش شب که ۹ زن را پس از تجاوز و سرقت اموالشان به قتل رساند افغانستانی نبود، ایرانی بود. امید برک معروف به قاتل بزرگراه یک قاتل زنجیره‌ای که ده زن را خفه کرد افغانستانی نبود، ایرانی بود. اینها

فقط چند مثال از صدها مورد دیگر است. بگذریم که وقتی داستان غم‌انگیز زندگی همین قاتلین - مستقل از محل تولدشان - را می‌خوانید متوجه می‌شوید که خود اینها قربانیان نظامی هستند که مدام در جامعه زمین خشونت شخم می‌زند و بذر خشونت می‌کارد! به اینها اضافه کنید قاتلینی از دستگاه‌های امنیتی جمهوری اسلامی که مرتکب قتل‌های دهشتناکی شده‌اند و البته مشمول رافت اسلامی شده‌اند و راست‌راست می‌چرخند. سعید طوسی، قاری قران موردعلاقه خامنه‌ای با پرونده سنگین تجاوز جنسی به کودکان یکی از موارد رافت اسلامی است که توسط دستگاه قضایی حکومت تبرئه شد.

و مهم‌تر از همه موارد بالا، دستگاه شکنجه و کشتار رژیم اسلامی ۴۵ سال است خشونت می‌کند، به

چشمان دختران و پسران مبارز شلیک می‌کند،
در زندان‌ها تجاوز می‌کند، شکنجه می‌کند و
اعدام می‌کند و در همین چند سال اخیر توحش
کم‌سابقه‌ای علیه مردم راه انداخته است. می‌بینید
که همین حکومتی که مدام آدم می‌کشد و مرگ و
کشتار و جنایت را عادی‌سازی می‌کند، بی‌شرمانه
تصویر جنایت‌کار از پناهجویان افغانستانی اشاعه
می‌دهد.

سؤال کرده‌اید که ”مهاجرین افغان... چرا و چطور
به حمایت کدام گروه تندرو وارد ایران شدند. با
چه اهداف احتمالی بماند“؟

در سال‌های اخیر یک وجه تبلیغات فاشیستی
این بوده است که مثلاً صفی از افغانستانی‌ها را

در نماز جمعه نشان می‌دهند، یا لشکر فاطمیون را که حکومت اسلامی از افغانستانی‌ها سازمان داده است و به قتلگاه سوریه اعزام کرده است را برجسته می‌کنند تا به نحوی پناهجویان افغانستانی را حامیان حکومت اسلامی قلمداد کنند و مردم متنفر از حکومت اسلامی را علیه پناهجویان افغانستانی تحریک کنند. حکومت با چنین تبلیغاتی با یک تیر دو نشان می‌زند. پناهجویان افغانستانی را دو بار قربانی می‌کند. یکبار با سربازگیری از میان آنها برای اهداف سیاسی‌اش و بار دیگر با تحریک جامعه علیه آنها به عنوان حامیان حکومت. این اصلاً عجیب نیست که حکومت اسلامی از شرایط حاکم بر زندگی مهاجرین و پناهجویان افغانستانی، حتی از گرایش‌های مذهبی شیعی در میان آنها استفاده سیاسی می‌کند. اما باید یا مغرض بود یا مغلوب

تبلیغات حکومت اسلامی که متوجه نشد ترکیب دستگاه سرکوب حکومت در داخل و خارج از ایران اساساً از خود ایران و ایرانی است.

ما در ایران با فاشیسم اسلامی مواجه هستیم؛ اما حکومت اسلامی حتی نباید تصورش را هم بکند که می‌تواند با ”خارجی‌ها“ همان رفتاری را در پیش بگیرد که در آلمان نازی اعمال می‌شد. دوران عوض شده است. ما در عصری زندگی نمی‌کنیم که فاشیست‌های حاکم بتوانند میلیون‌ها ایرانی را مغزشویی کنند و به دست آنها علیه پناهجویان جنایت کنند. در ایران انقلابی برای زندگی انسانی راه افتاده است. فضای سیاسی ایران اجازه نمی‌دهد حکومت به دست مردم تراژدی علیه ”خارجی‌ها“ راه بیندازد. میدان برای تعرض اسلامی، ناسیونالیستی

و فاشیستی به پناهجویان خالی نیست! در فضای انسانی و پیشرو که انقلاب زن زندگی آزادی شکل داده است، شرایط کاملاً آماده است که با تمام قدرت در مقابل تعرض سازمان یافته حکومت اسلامی با همدستی نازیونال - فاشیست‌های ایرانی به "خارجی‌ها" یعنی اساساً همان پناهجویان افغانستانی بایستیم و با تمام قدرت از حرمت و کرامت انسانی‌شان دفاع کنیم.

احکام قرون وسطایی "بغی" را

بر سر حکومتیان خراب کنیم

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

رژیم سیاه جمهوری اسلامی در جدال ماندن و دفن شدن در زباله‌دان تاریخ و بعد از شکست مفتضحانه‌اش در قالب کردن پزشکیان به عنوان رئیس جمهور مورد توافق تمام مافیایها، در همان گام اول فعالین جنبش برابری طلبانه انقلاب زن زندگی آزادی یعنی کارگران و زنان را نشانه گرفته و با صدور حکم قرون وسطایی به اسم "بغی" سعی در اعدام فعالین و عقب راندن انقلابمان دارد.

”وریشه مرادی“، فعال سیاسی، مدافع حقوق زنان، فعال محیط‌زیست و از اعضای کژار (جامعه زنان آزاد شرق کردستان) متولد ۱۳۶۴ در سنندج، معروف به جوانا سنه که توسط قوه قضائیه جمهوری اسلامی به ”بغی“ متهم شده است در پیامی از زندان اوین تهران به شریفه محمدی دیگر فعال جنبش کارگری و جنبش رهایی زن که متهم به بغی شده و در زندان لاکان رشت اسیر است می‌نویسد:

”شریفه جان خبر حکم ناعادلانه اعدامت آن هم یک روز پیش از انتخابات گواه روشنی است بر زن‌ستیزی حکومت جمهوری اسلامی، پیامی است به آحاد جامعه و به‌ویژه به ما زنان که در خیزش زن‌زبان نژادی قدرت با هم بودنمان را شکوه دوباره

بخشیدیم و پارادوکسی است در وعده‌های دولت جدید به مطالبات زنان. رفیق جان هر دو نیک می‌دانیم دار اعدام هیچ‌گاه ضمانتی برای تداوم نظام‌های استبدادی نبوده است. تو نه اولین و نه آخرین زنی هستی که با شکنجه فشار برای اعتراف اجباری پرونده‌سازی و ادعاهای بی‌پایه‌و‌اساس مواجه شده‌ای. این را بدان که دیوارهای زندان نمی‌تواند مانعی باشد، برای همدلی ما، زیرا هم زخمان را جز پناه یک‌دیگر بودن التیامی نیست.

از طرف وریشه مرادی از زندان اوین تهران به شریفه محمدی در زندان لاکان رشت تیر ۱۴۰۳

پخش‌شان عزیزی دیگر فعال سیاسی، روزنامه‌نگار، فعال حقوق زنان، مددکار اجتماعی و زندانی سیاسی اهل

مهاباد است که او هم توسط قوه قضائیه سفاک
جمهوری اسلامی، به "بغی" محکوم شده است.

این عزیزان اسرای تک تک ما و گروگان‌های حکومت
به‌منظور ارباب جامعه هستند. هم‌صدا و همدل یا
شریفه محمدی، وریشه مرادی و پخشان عزیزی و
صدها گروگان دیگرمان متحد شویم و به کارگزاران و
مافیاهای رژیم اعلام کنیم که در همدلی با اسیرانمان
در مبارزاتمان، در تجمعاتمان و در اعتصاب‌ها و
شعارها و مطالباتمان خواهان آزادی فوری و بدون
قید و شرط آنها هستیم.

نابود با رژیم جمهوری اسلامی
زنده‌باد زن، زندگی، آزادی

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

<http://journalfarsi.com>

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال